

# مقایسه‌ای بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی

نوشته‌ی: دکتر غانم قدوری حمد

ترجمه‌ی: حسین علینقیان

بخش اول این مقاله در شماره‌ی ۱۶ تقدیم شد و اینک بخش پایانی آن آورده می‌شود.

نقوش قدیم عربی را در قالب دو مجموعه بررسی می‌کنم: اول مجموعه‌ای شامل سه نقش عربی جاهلی، و دوم شامل سه نقش دوران اولیه‌ی اسلامی.

## الف) نقوش عربی جاهلی

پژوهشگران تعدادی از نقوش عربی را که به قبل از اسلام برمی‌گردند، در شمال جزیره‌العرب و اطراف بلاد شام کشف کرده‌اند. از این بین، سه نقش را برمی‌گزینم و سه دیگر را رها می‌کنم؛ زیرا تاریخ آن‌ها مورد تردید، و نگارش آن محدود و غیرواضح است. نقوش مورد بررسی عبارت‌اند از: «نقش نمارة»، «نقش جبل اسیس» و «نقش حران»<sup>۱</sup>.

### ۱. نقش نمارة

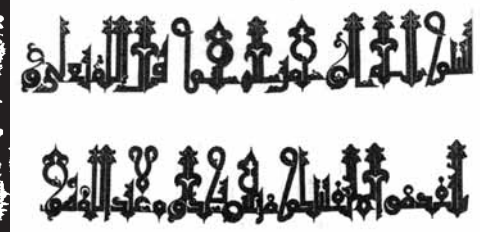
شرق‌شناسان، دوسو و ماکلر، در سال ۱۹۰۱م، این نقش را کشف کردند؛ نقشی که دارای اهمیت زیاد نوشتاری و زبانی است. محل آن در فاصله‌ی یک مایلی (۱٫۶ کیلومتری) نمارة، در شرق جبل دروز برستونی، از خرابه‌های قصر رومانی بوده است. این نقش، روی سنگ قبر پادشاه عربی به نام امرؤ القیس بن عمرو، متوفی به سال ۳۲۸ میلادی بوده است.<sup>۲</sup> نیز بدین روی «نمارة» شناخته می‌شود که در نزدیک مکانی به اسم نمارة یافت شده است.

پژوهشگرانی به تحقیق در آن پرداخته و کلمات آن را خوانده‌اند. شکل نگارش عربی بر ترسیم کلمات غالب است. در آن، جمله‌هایی کامل به زبان عربی خالص نوشته شده است و

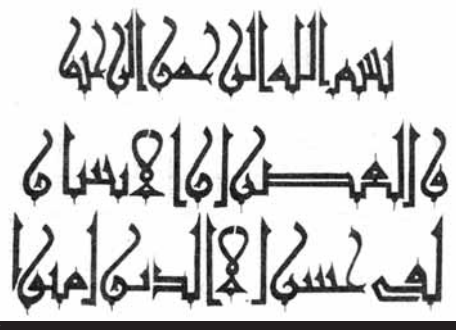
۱. ابراهیم بن مغیره الأوسی
۲. ارسلی الحارث الملک علی
۳. سلیمان مسلحة سنت
۴. ۴۲۳

استاد سهیله جبوری اشاره داشته که تاریخ این نقش بر اساس تقویم بصری، معادل سال ۵۲۸ میلادی است و «حارث» مذکور در نقش، همان حارث بن جبلة ای است که بر منذر سوم لخمی، در سال ۵۲۸ م<sup>۹</sup>، پیروز شد. به نظر می‌رسد که ابراهیم بن مغیره اوسی، یکی از اذناب ملک حارث بوده است. در

کوفی مسجد قیطره قزوین



«لسان العرب» در مورد کلمه‌ی «مسلحه» آمده است: «مسلحه: قومی است که مرزها را از دشمن حفاظت می‌کنند. آن‌ها را مسلحه نامیده‌اند، زیرا دارای سلاح هستند.» [ابن منظور، ج ۳، ص ۳۱۷، مدخل سلح]. با وجودی که کلمات آن کم‌اند، اما به صورت عربی



آیه‌نگاری بدیع سوره مبارکه «عصر» به قلم کوفی پیر آموز متشابه عجم سلجوقیان؛ خط مرحوم استاد محمدعلی عطار هروی

آثار نبطی و آرامی در آن مشاهده می‌شود. و اینک کلمات این نقش به حروف عربی امروزی ارائه می‌شود:<sup>۳</sup>

۱. تی نفس مرالقیس بر عمرو ملک العرب کله ذواسرالتج

۲. و ملک الاسدین و نزر و ملوکهم و هرب محجو عکدی و جاً
۳. بزجی فی حبح نجرن مدینت شمر و ملک معدو و نزل بنیه
۴. الشعوب و وکلهن فرسوا لروم فلم یبلغ ملک مبلغه
۵. عکدی هلك سنت ۲۲۳ یوم ۷ بکسلول بلسعد ذولده<sup>۴</sup>

بیش‌ترین کلمات این متن، عربی می‌نمایند؛ به ویژه که از شیوه‌های نگارش در آن زمان، نیاوردن الف در وسط برخی کلمات بوده است، مثل التج: التاج، و نجرن: نجران، و نیز اضافه کردن «واو» در آخر اسامی اعلام، مثل: عمرو، نزر(نزار)، شمر و (شمر) و...

این احتمال نیز وجود دارد که قرائت برخی کلمات و انتقال آن از سنگ به ورق، دقیق نبوده است. اما تاریخ آن ۲۲۳ از تاریخ بصری، موافق با سال ۳۲۸ میلادی است. این نقش دارای اهمیت تاریخی و زبانی است، زیرا سابقه‌ی آن به حدود سه قرن قبل از ظهور اسلام برمی‌گردد. دارای کلمات و عبارات عربی خالص، و بیانگر جدا شدن کتابت عربی از کتابت نبطی در اول قرن چهارم میلادی است. با ذکر این نکته که در مکانی یافت شده که از تأثیر گذارنده‌های زبانی غیر عربی خالی نبوده است؛ چه نمارة در بلاد شام- یعنی جایی که آرامی در آن غالب بوده- واقع بوده است.<sup>۵</sup>

## ۲. نقش کوه اسیس

این نقش توسط گروهی آلمانی به سال ۱۹۶۵ م، در حین جست‌وجوی آثار باستانی در سوریه (در کوه اسیس، در ۱۰۵ کیلومتری جنوب شرقی دمشق) کشف شد.<sup>۶</sup> این نقش آخرین نقش عربی جاهلی است که کشف شده؛ گرچه از لحاظ تاریخی، قدیم‌ترین آن‌ها به حساب نمی‌آید. نیز برای بسیاری از محققین در تاریخ نگارش عربی به درستی شناخته نشده است.<sup>۷</sup> قرائت کلمات آن با حروف عربی امروزی بدین قرار است:<sup>۸</sup>

خالص آمده‌اند و دارای معنی مشخص و واضح هستند؛ هم‌چنان که به صورت حروف واضح عربی نگاشته شده‌اند. شاید مهم‌ترین مشخصات نگارش این متن عبارت‌اند از:

۱. خالی بودنش از نقطه و علامت‌های حرکات؛
۲. حذف الف در وسط کلمه (مثل ابراهیم، حارث و سلیمان)؛
۳. نوشتن «تاء» تأنیث به صورت «ها» در «مغیره» و «مسلحه» و به صورت تاء کشیده در کلمه‌ی «سنت» است.

قرآن، به دست داده‌اند. تغییراتی که در کتابت عربی از آن پس رخ داد، تحولی اساسی و جوهری در شکل آن خط به وجود نیاورد. شایان گفتن است که ویژگی‌های نگارش عربی با ویژگی‌های نگارش نبطی ارتباط دارد. خلیل یحیی نامی در آخر تحقیقاتش، در کتاب «اصل الخط العربی» (ص ۱۰۱) پیرامون خط عربی آورده است: «...روشن شد که نگارش عربی عبارت است از شکل تطور یافته‌ی نگارش نبطی، و آن خط، مشخصات و ویژگی‌های این خط را داراست.»

### ۳. نقش حران

گروهی از شرق شناسان در سال ۱۸۶۴ م، در حران شرق «لجا»، واقع در منطقه‌ی شمال جبل دروز این نقش را کشف کردند. به یونانی و عربی و روی سنگی که بالای درب کنیسه‌ای قرار داشت، نوشته شده است. تاریخ آن به سال ۵۶۸ م، باز می‌گردد. و اینک کلمات متن عربی:

۱. انا شر حیل بن ظلمو بنیت ذا المرطول

۲. سنت ۴۶۳ بعد مفسد

۳. خیر

۴. بعم

قرائن کامل متن بدین قرار است: «انا شر احویل بن ظالم، بنیت ذا المرطول [الکنیسه]، سنة ۴۶۳ [من تقویم بصری = ۵۶۸ م]، بعد مفسد خیر بعم».

«مفسد خیر» اشاره به جنگی است که حارث بن شمر - یکی از امرای بنی غسان - برپا کرده بود. این نظریه را برخی از محققین، ترجیحاً ارائه داده‌اند.<sup>۱۱</sup>

نقش حران دارای ویژگی‌های نگارشی جداگانه‌ای است، به مانند نقش کوه اسیس، از نظر خالی بودنش از نقطه‌های اعجام و علامت‌های حرکات و به مانند تمامی نقوش عربی جاهلی. و نیز از نظر حذف الف در وسط کلمات، هم‌چو: شر حیل: شر احویل، ظلمو: ظالم، بعم: بعم. و واو اضافی در آخر ظلمو، مثل واو اضافی در اعلام نقش نمارة است. هم‌چنین، «سنة» در این متن با تاء کشیده آمده است. نگارش عربی را که در نقوش عربی جاهلی، به ویژه دو نقش اسیس و حران، ملاحظه کردیم، نمونه‌ی تکامل یافته‌ی املا‌ی عربی در شکل آغازینش را قبل از نگارش

### ۱. نقش قاهره

این نقش را که به خط کوفی نگارش یافته، استاد حسن محمد هواری در میان تعداد زیادی از قطعات سنگی یا رخامی کشف کرده است و در «دار الآثار العربیه» قاهره نگه‌داری می‌شده است. این نقش در سال ۱۹۲۹ م، از میان قدیم‌ترین سنگ قبرهای اسلامی در قاهره و اسوان کشف شده است.<sup>۱۳</sup> هواری در مجله‌ی مصری «الهلال»، در مورد آن مقاله‌ای با عنوان «اقدام اثر اسلامی» نگاشت.<sup>۱۴</sup> هم‌اکنون

### ب) نقوش دوره‌ی اسلامی

متون مکتوبی که به قرن اول هجری باز گردند، زیادند، اما آن‌چه مربوط به نیمه‌ی اول این قرن می‌شود، کم است. قلت این متون در سال‌های اولیه‌ی تاریخ اسلام، امری عمومی و پذیرفته است، اما متون مکتوبی که به دهه‌های اولیه‌ی آن قرن باز می‌گردند، دارای تنوع هستند. برخی شان روی پوست یا پایروس نگاشته شده و برخی روی درهم‌ها ضرب شده‌اند.<sup>۱۲</sup>

هر پژوهشگری در مورد بسیاری از این متون با مشکلاتی روبه‌روست. شاید کم‌ترین مشکلات این متون مربوط به متون منقوش بر سنگ‌هاست؛ به ویژه آن‌هایی که دارای تاریخ‌اند. لذا سه فقره از این دست متون را برای بحثی که ما به آن پرداخته‌ایم، سودمندتر یافتیم؛ زیرا قدیم‌ترند، قرائتشان آسان و واضح است، و کلمات آن‌ها زیادترند. این متون در شهرهای متفاوت یافت شده‌اند؛ نقش اول در مصر، دوم در بلاد حجاز (سعودی) و نقش سوم در عراق. اینک ارائه‌ی متون و تاریخ کشف آن‌ها:

در موزه‌ی هنر اسلامی قاهره به شماره‌ی ۱۰۵۸/۲۹ نگه‌داری می‌شود. اندازه‌ی تکه سنگ ۷۱×۳۸ سانتی‌متر است.<sup>۱۵</sup> پاره‌ای از منابع، این نقش را به اسم نقش «أسوان» نامیده‌اند؛ بر این اساس که در مقابراسوان واقع در جنوب مصر یافت شده است.<sup>۱۶</sup> اما آن‌چه حسن‌هواری در مقاله‌اش پیرامون این نقش بر آن تصریح داشته، این است که این نقش مربوط به مردی است که «در قرافه، پشت سقاط مدفون بوده است.»<sup>۱۷</sup> و از این رو، نقش قاهره نامیده می‌شود.

این نقش در تحقیقات مربوط به تاریخ‌تطور نگارش عربی‌شان و جایگاه برتری دارد، چه تقریباً قدیم‌ترین متن اسلامی است که روی سنگ تدوین یافته. تاریخ آن به سال ۳۱هـ نگاشته شده است؛ یعنی همان زمانی که مصحف‌ها را در مدینه در زمان خلافت عثمان بن عفان می‌نوشتند. محققین در مورد قرائت تمامی آن، به جز دو یا سه کلمه، اتفاق نظر دارند. و اینک عین کلمات نقش با اشاره به سه کلمه‌ی مورد اختلاف در کر و شه، ارائه می‌شود:

۱. بسم‌الله الرحمن الرحیم هذا القبر
۲. لعبد الرحمن بن [خیر] [الحجری] اللهم اغفر له
۳. وادخله فی رحمة منک [و اننا] معه
۴. استغفر له اذا قرأ هذا الکتب
۵. و قل آمین و کتب هذا
۶. لکتب فی جمدی الا
۷. خرمن سنت احدی و
۸. ثلاثین

پژوهشگران در قرائت کلمه‌ی «خیر» در سطر دوم، اختلاف کرده‌اند و برخی آن را «جبر» خوانده‌اند. نیز در مورد «الحجری» در همان سطر که برخی آن را «حجازی» خوانده‌اند.<sup>۱۸</sup> اما حسن‌هواری ترجیحاً آن‌ها را خیر و الحجری دانسته است [اقدام اثر اسلامی، ص ۱۱۹۰ و ۱۱۹۱]. هم‌چنین در خواندن کلمه‌ی «و اننا» در سطر سوم اتفاق نکرده‌اند. برخی آن را «واتنا» [اسرائیل و لفسون، ص ۲۰۲] و برخی نیز «وایانا» خوانده‌اند [درسات فی تاریخ الخط العربی، ص ۴۱]. سبب اختلاف آن‌ها در قرائت این کلمات، فقدان نقطه در متن اصلی است. خلیل یحیی نامی، پیشنهاد کرده که کلمه‌ی «قرأ» در سطر چهارم،

«قرأت» خوانده شود. گویا او معتقد است که کاتب، نوشتن تاء [فاعِل] را فراموش کرده است [اصل الخط عربی، ص ۹۱]. اما این نظر از دیدگاه ما پشتوانه‌ای ندارد، چرا که ساختار کلمه، مبنی بر مجهول است (=قریء)؛ به مانند «کتب» در سطر پنجم. اما در این جا مشکل کتابت همزه رخ می‌نماید که پیرامون آن در موضوع بعدی سخن خواهیم گفت.

## ۲. نقش طائف

کشف این نقش در سال ۱۹۴۸م، به هنگام انجام حفاری در معادنی در منطقه‌ای نزدیک به طائف در حجاز به انجام رسید. انتشار و قرائت آن را مایلز در سال ۱۹۴۸م صورت داد. برخی دیگر از محققین نیز به تحقیق روی آن پرداختند. این نقش روی صخره‌ای از بقایای سدی قدیم در نزدیک طائف که به دستور خلیفه‌ی اموی، معاویه بن ابی سفیان ساخته شده بود، قرار گرفته و به سال ۵۸هـ. ق، تاریخ‌گذاری شده است. متن آن بدین قرار است:<sup>۱۹</sup>

۱. هذا السد لعبد الله معوية
۲. امیر المؤمنین بنیه عبد الله بن صخر
۳. باذن الله لسنة ثمن و خمسين
۴. اللهم اغفر لعبد الله معوية
۵. امیر المؤمنین و ثبته و انصره و متع
۶. لمؤمنین به تب عمرو بن حباب

مایلز به هنگام انتشار اولیه‌ی این نقش گمان برد که کلمه‌ای در اول سطر ششم محو شده است. کلمه‌ی مورد اشاره‌ی او «امیر» است و عبارت فوق را چنین تصور کرده: «و متع [امیر] المؤمنین به». در حالی که هیچ‌دلیلی برای این تقدیر وجود ندارد، چرا که متن کامل بوده است و هیچ نیازی به تقدیر چیزی اضافه ندارد و ضمیر در «به» در سطر ششم، به امیر المؤمنین باز می‌گردد و نه سد. کاتب خواسته بگوید: و متع المؤمنین بامیر المؤمنین، یعنی بطول بقائه [رسم المصحف، ص ۵۴۹-۵۴۷]. این نقش از تمامی نقوش قبلی، متفاوت و متمایز است؛ در این که تعدادی از حروف آن به نظر نقطه دار می‌رسند، یعنی حروف: باء، تاء، یاء، ثاء، نون، فاء و خاء. به زودی در مورد این مطلب



سخن خواهیم گفت .

### ۳. نقش حفنة الابيض

این نقش را سیدعزالدین صندوق در سال ۱۹۴۹م، هنگامی که با گروه اداره‌ی آثار باستان‌شناسی عراق به صحرای غربی رفته بودند، کشف کرد. این نقش شبیه یادبودی است که ثابت بن یزید اشعری در شوال سال ۶۴ هـ روی صخره‌ای که بالای دره‌ی وادی ابیض در منطقه‌ای به نام «حفنة الابيض» (غرب کربلا) واقع بوده، نوشته است.<sup>۲۰</sup> متن کلمات نقش بدین ترتیب است [درسات فی تاریخ الخط العربی، ص ۱۰۵-۱۰۴]:

۱. بسم الله الرحمن الرحيم
۲. الله وکبر کبیرا و ۱
۳. الحمد لله کثیرا و سبحن ۱
۴. لله بکرة و اصیلا و لیلا
۵. طویلا اللهم رب
۶. جبریل و میکل و أسر
۷. قیل اغفر لیث بن یزید
۸. الاشعری ما تقدم من
۹. ذنبه و ما تأخر و لمن قال
۱۰. امین رب العلمین
۱۱. و کتبت هذا الکتب فی
۱۲. شوال من سنة اربع و
۱۳. ستین

این نقش، حامل ویژگی‌های نقوش قبلی است، به اضافه‌ی برخی پدیده‌های املائی منحصر به فرد که در مبحث بعدی به آن اشاره می‌کنیم. این جا فقط به وجود سه حرف نقطه دار باء، یاء و ثاء در سطرهای دوم و سوم اشاره می‌کنیم.

### ج) پدیده‌های املائی مشترک بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی

در این جا قصد نداریم که تطور ظاهری حروف در نقوش جاهلی و اسلامی را بررسی کنیم، بلکه هدفمان بررسی پدیده‌هایی است که در آن‌ها، صورت نوشتاری با صورت گفتاری یکسان نیست و آن نقش‌ها و این رسم الخط مصحف دارای چنین ویژگی‌های مشترکی هستند. از این دست پدیده‌های مشترک به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

#### ۱. فقدان اعراب و نقطه

نقوش قدیم عربی (جاهلی و اسلامی) در فقدان

علامت‌های حرکات سه گانه، یعنی فتحة، ضمه و کسره، و دیگر نشانه‌ها متمایز هستند. چنان‌که مصاحف اولیه نیز از این گونه علامت‌های خالی بودند. خط عربی، این ویژگی را از منبع اصلی و قدیمی خود، یعنی خط نبطی به ارث برده است.<sup>۲۱</sup> ابوعمرو دانی گفته است: «عرب، اهل اعراب و نقطه گذاری نبوده است» [المحکم، ص ۱۷۶].

اما علامت‌های حرکات به کار رفته در مصاحف کنونی و در کتابت عربی در غیر مصاحف، مربوط به دوران بعد از نگارش مصاحف است؛ زیرا نوشتن بدون علامت و حرکت، قرائت صحیح را تعیین نمی‌کند. بدین روی، دانشمندان در بدو تاریخ اسلام به فکر اصلاح این نقیصه‌ی نگارشی افتادند. اولین کوشش در این راه، از سوی ابوالاسود دؤلی (ظالم بن عمرو، ۶۷ یا ۶۸) در بصره صورت گرفت. او شیوه‌ی نقطه گذاری گرد و قرمز رنگ را برای نشان دادن حرکات، ابتکار کرد. برای نشان دادن فتحة، نقطه‌ای بالای حرف، برای کسره نقطه‌ای پایین حرف و برای ضمه نقطه‌ای در مقابل حرف قرار داد. به کارگیری این شیوه در مصاحف، به طور ویژه انجام می‌شد.<sup>۲۲</sup>

شیوه‌ی اعراب گذاری ابوالاسود را مدت‌ها به کار می‌گرفتند؛ شیوه‌ای که خالی از مشکلاتی چون تعداد رنگ‌های به کار رفته و اشتباه کردن نقطه‌های اعراب با نقطه‌های حروف مشابه در رسم، نبود. لذا دانشمندان عربیت، خلیل ابن احمد فراهیدی بصری (ت ۱۷۰ هـ)، به میدان آمد و به جای نقطه‌های گرد ابوالاسود، علامت‌های کوچکی از رنگ همان خط، ابداع کرد. برای نشان دادن فتحة، الفی کوچک و کج را در بالای حرف، برای کسره، یایی کوچک و کج را در زیر حرف و برای ضمه، واوی کوچک بالای حرف قرار داد [همان، ص ۷].

جزئیات دیگری در مورد تاریخ به کارگیری حرکات در کتابت عربی وجود دارد که ذکرش به طول می‌انجامد و نیاز مبرمی برای ذکر آن‌ها نداریم. آن‌چه به این موضوع ارتباط دارد، نقطه‌های اعجمی است که حروف مشابه را در نگارش متمایز می‌کند. نقوش عربی که به قبل از اسلام برمی‌گردد، از نقطه‌های اعجم خالی است. خط عربی این پدیده را از خط نبطی اخذ کرده است [اصل الخط العربی، ص ۱۰ و ۸۷]. مصحف‌ها نیز از این نقطه‌ها خالی بوده‌اند. آن‌چه در منابع عربی آمده این است که نصر ابن عاصم لیشی بصری (ت ۹۰ هـ)، حروف [مشابه] را

بدایع نگاری کتابت قرآن به خط کوفی  
پیر آموز، موزه «متروپولیتن» نیویورک



نقطه گذاری کرده است. اما در نقوش عربی اسلامی که به بخشی از روزگار نصرین عاصم برمی گردد، برخی از حروف نقطه گذاری و معجم شده اند؛ به ویژه در نقش سد طائف که به سال ۵۸ هـ تاریخ خورده است. اما در اصالت نقطه گذاری که در نگارش نقش سد طائف رخ داده شک وارد است که برای تفصیل آن می باید به منابع مربوط، مراجعه کرد.<sup>۲۴</sup>

## ۲. حذف الف در وسط کلمه

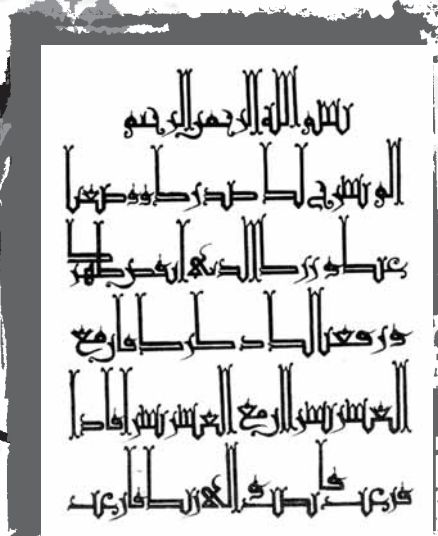
از پدیده های نگارشی شایع در رسم الخط مصحف، حذف الف وارده در وسط کلمه در بیش ترین مواقع است. از جمله مثال هایی که در این ارتباط می توان بیان داشت، چهار کلمه در سوره ی حمد است، شامل: الرحمن (الرحمان)، العلمین (العالمین)، ملک (مالک)، الصراط (الصراط) و نمونه های زیادی که قبلاً یاد آور شدیم. هنگامی که به نقوش عربی قدیم مراجعه می کنیم، در می یابیم که این پدیده، ویژه ی نگارش مصحف نبوده، بلکه یکی از ویژگی های نگارش عربی در آن وقت بوده است. حذف الف، پدیده ای نگارشی است که در نقوش عربی جاهلی شایع بوده؛ مثل التاج (التاج) و نجرن (نجران) در نقش نمارة، و ابرهیم (ابراهیم)، الحرث (الحرث) و سلیمان (سلیمان) در نقش کوه اسیس، و شرحیل (شرحیل)، ظلموا (ظالم) و بعم (بعام) در نقش حران.

این پدیده، پس از نگارش مصحف نیز ادامه یافت، چنان که نقوش عربی اسلامی که ذکرشان رفت، بیانگر این مطلب اند؛ از جمله: هذا (هاذا)، الکتب (الکتاب)، جمدی (جمادی)، ثلاثین (ثلاثین) در نقش قاهره، معویه (معاویة) و ثمن (ثمان) در نقش طائف، و سبحن (سبحان)، ثبت (لثابت)، العلمین (العالمین) و الکتب (الکتاب) در نقش حفنة الابيض.

اصل این پدیده به خط نبطی که خط عربی از آن زاینده



نمونه بسم الله به خط مقتدرن



آیه نگاری سوره مبارکه «انشراح» به قلم کوفی پیرآموز  
منکسر؛ خط مرحوم استاد محمدعلی عطارهروی

شده است، باز می‌گردد.<sup>۲۵</sup> و لذا وجود این پدیده در نگارش مصحف، منحصر به فرد نبوده، بلکه در نگارش عربی قبل از کتابت مصحف نیز موجود بوده است. پس از آن در نوشته‌های قرن اول هجری شایع تر بوده است و به صورت تدریجی تا به امروز ادامه یافته است؛ کلماتی که هم‌اکنون هم بدون الف نوشته می‌شوند، مانند: الرحمن (الرحمان)، هذا (هاذا)، هذه (هاذه)، هؤلاء (هاؤلاء)، اله (الاه)، لکن (لاکن)، اولئک (الائک) و ذلک (ذالک).

### ۳. نوشتن تائیت

از پدیده‌های نگارشی که رسم الخط مصحف را متمایز می‌کند، نوشتن تائیت مؤنث به صورت تائیت کشیده، و هاء می‌باشد؛ مثل: رحمت (رحمة)، نعمت (نعمة) و کلمت (کلمة). در این جا نیازی نیست که پیرامون اصل علامت تائیت در عربی و علت نوشتن دو گانه‌ی آن بحث کنیم. کافی است اشاره کنیم که این پدیده در نگارش عربی قبل از رسم الخط مصحف متداول بوده است. چنانچه نقوش عربی قدیم نیز بیانگر همین مطلب اند. مثلاً در نقش نمارة مدینت (مدینه) و سنت (سنة)، و در نقش کوه اسیس سنت (سنة) آمده است و هم چنین در نقش حران. به نظر می‌رسد که نوشتن تائیت به صورت هاء، ده‌ها سال قبل از اسلام شروع شده بوده است. در نقش کوه اسیس، کلمات مغیره و مسلحة به صورت‌ها آمده و کلمه‌ی سنة در همان نقش، به صورت تاء آمده است. این مطلب بیانگر روش نگارش مصحف در نوشتن این نوع از کلمات است. پدیده‌ی نگارش تائیت به صورت تائیت کشیده، تدریجاً و به صورت پنهانی تا به امروز در خط عربی مشاهده می‌شود.

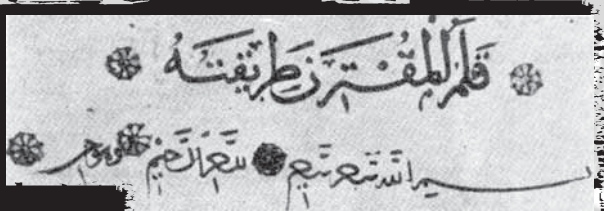
### ۴. جدا کردن حروف یک کلمه در آخر سطر و بعد از آن

از جمله پدیده‌های نگارشی که در سه صفحه از مصاحف قدیم ملاحظه کردیم، تقطیع و جداسازی حروف کلمه‌ای است که در آخر سطر قرار می‌گیرد. بدین قرار که بخشی از کلمه در آخر سطر و بخشی دیگر در اول سطر بعدی نوشته می‌شود؛ چنان‌که در آخر سطر هشتم و اول سطر نهم کلمه‌ی «تبصر - ون» در صفحه‌ی اول مصحف بدین شیوه نوشته شده است و نیز در سطرهای (۱۱-۱۲) و (۱۲-۱۳) و (۱۵-۱۶). همین پدیده را در دو صفحه‌ی دیگر نیز مشاهده می‌کنیم. پاره‌ای از علمای سابق نیز بر وجود این پدیده در مصاحف قدیم عثمانی تصریح کرده‌اند [صبح الاعشی، ج ۳، ص ۱۵۱].

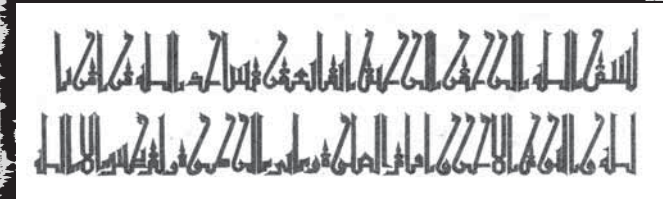
از وجود این پدیده در نقوش سه گانه‌ی عربی جاهلی اثری نیست. اما این معنی عدم وجود این پدیده در کتابت قبل از اسلام نخواهد بود. زیرا سه نقش یاد شده، کوچک و دارای کلماتی اندک‌اند. اما هریک از نقوش عربی اسلامی بیش از یک مورد از این پدیده را دارا هستند. مثلاً در نقش قاهره، کلمه‌ی «الکتب» بین آخر سطر پنجم و اول سطر ششم تقسیم شده و کلمه‌ی «الآخر»، بین آخر سطر ششم و اول سطر هفتم واقع شده است. نیز در نقش طائف، الف در کلمات مربوطه در آخر سطر سوم، چهارم و پنجم جدا شده است و در نقش حفنة الابيض، در آخر سطر دوم، سوم و ششم، این پدیده را ملاحظه می‌کنیم.

### ۵. نوشتن همزه

نگارش همزه از موضوعات چندگانه در املا‌ی عربی و رسم الخط مصحف و غیره است. اما وجه غالب نوشتن همزه، تسهیل آن است [المحکم، ص ۱۵۱]. در این جا قصد ورود به جزئیات این موضوع را نداریم. صرفاً به این بسنده می‌کنیم که آن چه



بدایع نگاری به خط مسلسل مقترن، شیوه ابن بواب



بسم الله و آیه‌نگاری بدیع کوفی خمیده سلجوقی مسجد جامع گلپایگان



#### زیر نویس

۱. نقوشی که به بررسی آن‌ها نپرداخته‌ام، شامل: کتیبه ام‌الجمال اول، کتیبه زید و کتیبه ام‌الجمال دوم است. برای آگاهی از آن‌ها رک: ناصر النقشبندی. منشأ الخط العربی و تطوره. مجله‌ی سومر. مجلد ۳. ج ۱. ص ۱۳۳-۱۳۰؛ جواد علی. تاریخ العرب قبل الاسلام. ج ۷. ص ۲۸۰-۲۷۲.
۲. اسرائیل و لفسنون. تاریخ اللغات السامیه. ص ۱۸۹؛ جواد علی. تاریخ العرب قبل الاسلام. ج ۱. ص ۱۸۹ و ج ۷. ص ۲۷۳؛ بلاشر. تاریخ الادب العربی. ج ۱. ص ۷۱؛ رمزی بعلبکی. الكتابة العربیه و السامیه. ص ۱۲۴.
۳. در مورد قرائت این کتیبه، رک: منابع یاد شده در منبع شماره‌ی ۲.
۴. ترجمه‌ی عبارات یاد شده از این قرار است:  
- این گور امری القیس بن عمرو، پادشاه همه‌ی عرب‌هاست که تاج (سلطنت) را به دست آورد.  
- بر اسدین و نزار و پادشاهان آنان سلطنت کرد. امروز، مذبح را شکست داد و آورد.  
- غنایمی را از اجتماع نجران در شهر شمر. معد را به تسخیر خویش در آورد و حاکم کرد فرزندانش را  
- بر ملت‌های ایران و روم به عنوان نماینده‌ی خود (در آن سرزمین)، هیچ پادشاهی به مقام او نرسید.  
- امروز روز ۷ کسلول، سال ۲۲۳، از بین رفت. پس سعادت‌مند باد فرزندانش (از: مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی. دکتر رمضان عبدالنواب. ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی. ص ۶۵). برای اطلاع از آوانویسی متن کتیبه به لاتین، رک: راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی. دکتر آذرتاش آذرنوش. ص ۶۸ (مترجم).
۵. دکتر رمزی بعلبکی، شامل‌ترین تحقیق تحلیلی، زبانی و تاریخی را در مورد این کتیبه در کتابش، «الكتابة العربیه و السامیه»، ص ۱۴۳-۱۲۴ ارائه داده است.
۶. سهیلة الجبوری. اصل الخط العربی و تطوره. ص ۵۳-۵۲.
۷. در منابع عربی، به وجود این متن پی نبرده‌اند؛ جز در کتاب «اصل الخط العربی و تطوره»، اثر خانم سهیلة جبوری که در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسیده است. دکتر رمزی بعلبکی در کتابش (الكتابة العربیه و السامیه) که در سال ۱۹۸۱ به چاپ رسیده، از این متن یاد نکرده است.
۸. سهیلة الجبوری. همان. ص ۵۳.
۹. همان. ص ۵۳. پاورقی ۱۹ و ۲۰.
۱۰. ترجمه‌ی عبارات کتیبه چنین است: «من شرا حیل بن ظالم، این کتیسه را در سال ۴۶۳، یک سال پس از جنگ و تخریب خیبر، بنا کردم» [رمضان عبدالنواب. همان. ص ۶۷ (مترجم)].
۱۱. ناصر النقشبندی. همان. ص ۱۲۳؛ جواد علی. همان. ج ۱. ص ۱۹۰ و ج ۷. ص ۲۷۹؛ بلاشر. همان. ج ۱. ص ۷۲؛ رمزی بعلبکی. همان. ص ۱۵۵-۱۵۱.
۱۲. در مورد این متون رک: حسن محمد الهواری. اقدم اثر اسلامی. مجله الهلال المصریه. سال ۳۸ (۱۹۳۰). ج ۱۰. ص ۱۱۸۳-۱۱۸۱؛ ناصر النقشبندی. همان. ص ۱۴۰-۱۳۵؛ زاکیه محمد رشدی. النقوش السامیه (قسمت دوم). مجله‌ی دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره (۱۹۶۷). مجلد ۲۹. ج ۲-۱. ص ۵۶-۴۰.
۱۳. اسرائیل و لفسنون. تاریخ اللغات السامیه. ص ۲۰۲.
۱۴. شماره‌ی دهم از سال ۳۸ (۱۹۳۰)، ص ۱۱۷۹-۱۱۷۹. حسن هواری هم چنین مقاله‌اش را در مجله‌ی الجمعیة الاسویة الملکیة، شماره‌ی نسیان ۱۹۳۰ به چاپ رسانده است. رک: ابراهیم جمعه. دراسة فی تطور الكتابات الکوفیه. ص ۱۲۸.
۱۵. ابراهیم جمعه. همان. ص ۱۳۰؛ سهیلة الجبوری. همان. ص ۱۰۸.
۱۶. همان دو منبع. ص ۱۳۰، ۱۰۸.
۱۷. مجله الهلال. ج ۱۰ (سال ۳۸). ص ۱۱۹۱.
۱۸. اسرائیل و لفسنون. همان. ص ۲۰۲؛ خلیل یحیی نامی. همان. ص ۹۱.
۱۹. در مورد این کتیبه و منابع شناسایی آن، رک: کتاب رسم المصحف. غانم قدوری حمد. ص ۵۴۹-۵۴۷.
۲۰. عزالدین الصندوق. حجر حفنة الابيض. مجلة سومر. ۱۹۵۵. مجلد ۱۱. ج ۲. ص ۲۱۷-۲۱۳؛ رسم المصحف. همان. ص ۵۴۹.
۲۱. سهیلة الجبوری. همان. ص ۱۴۷؛ رمزی بعلبکی. همان. ص ۳۲۱.
۲۲. همان. ص ۶-۷؛ ابن الندیم. الفهرست. ص ۴۵.
۲۳. برای تفصیل بیش‌تر رک: رسم المصحف. همان. ص ۴۶۵ به بعد.
۲۴. رسم المصحف. همان. ص ۵۵۵-۵۳۷.
۲۵. خلیل یحیی نامی. همان. ص ۸۸ و ۱۰۱؛ رمزی بعلبکی. همان. ص ۱۷۹-۱۷۸.

به صورت محدود در نقوش عربی قدیم از کلمات مهموز آمده، مؤید آمدن کلمات مهموز به صورت غیرقاعده در رسم الخط مصحف است. آن‌چه در نقش حفنة الابيض، در سطر دوم آن آمده است، یعنی نوشتن همزه به صورت واو در «الله وکبر»، نمایانگر زیادت واو در کلماتی از مصحف هم چون «اولئک»، «سأوریکم» و مانند آن است [رسم المصحف، ص ۳۸۶].

در سطر چهارم نقش قاهره، کلمه «قرأ» به این شکل آمده است، حال آن‌که سیاق جمله اقتضا می‌کند که با بنای مجهول «قریء» خوانده شود و رسم آن به صورت یاء باشد. اگر چنان‌چه فعل مجهول باشد، نوشتن همزه به شیوه‌ی نگارش به صورت الف خواهد بود و این روشی قدیم و معروف در کتابت عربی به شمار می‌آید [الفراء معانی القرآنی، ج ۲، ص ۱۳۴].

مجهول بودن فعل قرأ در جمله را، کلمه‌ی بعدی آن، یعنی «کتب» در سطر پنجم که به صیغه‌ی مجهول آمده است، توجیه می‌کند [اصل الخط العربی، ص ۹۱].

#### فرجام سخن

مجموع کلمات نقوش قدیم عربی، افزون بر کلمات یک صفحه از مصحف نخواهند بود. از این روی، پدیده‌های املائی که آن نقوش دارا هستند، به نسبت پدیده‌هایی که در رسم الخط مصحف می‌یابیم، اندک به حساب می‌آید. اما پدیده‌های املائی موجود در نقوش قدیم عربی، با وجود قلت، راهنمای بزرگی در موضوعی که بدان پرداختیم خواهد بود. نیز تقویت‌کننده‌ی این مطلب‌اند که صحابه رضوان‌الله‌علیهم اجمعین، قرآن را در مصحف با خط عربی متداول در زمان نزول قرآن نگاشته‌اند و امکان ارائه‌ی این رأی را به ما می‌دهد که پدیده‌های املائی موجود در رسم الخط مصحف که در آن عدم مطابقت خط با گفتار مشاهده می‌شود، از ویژگی‌های نوشتاری عربی قبل از تدوین قرآن بوده است. رسم الخط عثمانی با همه‌ی تنوع در گونه‌های زیاد نوشتاری، نمونه‌ی صادقی از خط عربی در نیمه‌ی اول قرن اول هجری را ارائه می‌دهد؛ زمانی که مردم تفاوت بین نوشتن مصحف و انواع دیگر نوشتن را در نیافته بودند. این وضعیت ادامه یافت تا این‌که علمای عربی‌دان در بصره و کوفه رخ نمودند و ضوابطی را بر اساس مقیاس‌های نحوی و اصول صرفی برای نوشتار و خط، بنا نهادند.